

نجم باکhtar  
۱۳۲۹

شماره دهم  
۱۴ اردیبهشت المبارک ۱۳۲۹  
فهرست مندرجات

- ۱ اردو حضرت عبدالنهار بر مملکت فرانسه
- ۲ صلح بین المللی بستن عقد صلح دائمی بین دولت امریکه و انگلیس فرانسه
- ۳ شرح کفر انیس صلح بین المللی سو سوئیک امریکا
- ۴ لوح مبارک بانقار انیس در کنگره صلح امریکا
- ۵ لوح مبارک بانقار انیس در کنگره صلح امریکا
- ۶ سفرهای ایران امریکه ایران
- ۷ وقایع اخیر ایران و امریکه
- ۸ نکس خاب بستر داج و عیال ایشان
- ۹ شرح مختصری از خدمات بین المللی محرم در امریکه
- ۱۰ دولت کنگره فرانسه ای عالم در لندن بقم لایزال لطف آید خاتم

Persian Editorial Office: NAJME BAKHTAR,  
1800 Belmont Road, Washington, D. C., U. S. A.

صفحه اول  
جلد دوم  
شماره پنجم  
تیرمشتک  
۱۹۱۱

# مجموعه

۱۳۲۹

۱  
vol 2  
No 10  
سالی دوازده فرانس  
ماه عزت ۶۸

این مجلد بر حسب تاریخ جهانی هر نوزده روز چای توزیع میگردد و در نهایت تعدادی در مسائل بیگانه بشود و حدت ایمان و ترقیات علم دانش در علوم دنیوی و تربیت اطفال و پیشرفت امر حضرت بهاء الله در اطراف جهان توضیح حقائق این دین نوین نموده خواهد نوشت و مقالات مفید که موافق سبک ادب است قبول و نشر خواهد گردید

## سفر حضرت عبدالبها بافاق فرنگ

در شام قبل یکی از الواح مبارک که حضرت عبدالبها در آن  
ایشان را به سفر خود به ممالک غرب فرمودند چای  
گردید احوال همین چند روزگی نگرانی با صفای مبارک بافتار  
خواب سستی می لژ از سبب باند فرانس رسید که آنکه  
ان احوال مقدس در نهایت جمال و قدرت قدم مبارک  
به خاک دولت فرانس گذارند و در آن بندر عازم  
شهر پاریس گشته اند اما فرانس اگر تاد اشتیاق است بر  
سائر دول غرب آنچه نمایند حق دارند زیرا آنها اولی می بینند  
که باین عطیه بگری در جهت وطن منقرض شده در ممالک باختر  
سهمان نولتی مرکز عهد قیام خواهند نمود خوشحال این است  
که بر چنین نعمت غیر ترقیه قاشق گردید گوی پیشقدمی را در میدان  
بود چون در راه گشته اند گنگره نژاد امی عالم در لندن متعده  
گردید و محل آنکل از شرق و غرب و جنب شمال در آن زمین  
عمومی حاضر گردیدند و در مسائل نژاد و اقتصاد و عادات و قوانین  
باشند گان که در این بحث نمودند اندازد افواه جهان  
یافت که حضرت من الهی در آن مجلس کبر حاضر خواهند گشت  
و باین سبب دسته از بهائیان شیگان و نیویورک و استنگتن  
باشتی سریع آنکه عازم شهر لندن شدند و اگر چه حضرت الهی  
الوری در آن گنگره حضور نداشتند ولی وجود اینهمه بهائیان  
و مجلس فوق العالی بسیار سبب انتشار امر ترقی  
دین الله گردید و راست حق در آن جمع عظیم بلند شد و در  
و بزرگان بزرگ استایش امر الهی و جرگه در شرح تعلیم  
بهائیان بجدیس و کوشش نمودند  
امروزه از راه حضرت عبدالبها به ممالک غرب یعنی آن

بیان که در آخر از آن نفس از افق غرب طلوع خواهد کرد  
خواهد یافت و مردم باختر نزار تحت آله مستعل خواهند گردید  
بیشتر از پیش امر الله را قبول خواهند نمود فلسفه و بزرگان  
به حضور مبارک شرف گشته در کث علوم و فضائل سعادت  
خواهند کرد و بد بحرحمت و فضل الهی غرق خواهند گشت در  
این یوم قوت و قدرت این امر بدرجه رسید که بیچکس با  
مقام انکار نمایند و تعظیم روحانی این دین بدیع نفس عالم را حاصل  
کرد که بس عبرت و حیرت علی گردید وفاق از انوار شمس  
حقیقت روشن گشته و با شکار وجود اندر دست ام لطیفه سبز در خم  
شده ولی افسوس که فلل شرف چنانچه باید است بد از بر تو این شخص  
آسمانی نائل بجز نبر و تقالیم و بیانات دورا سرشته است  
نموند دینی نمایند و دل و دل غرب بود برود باین امر نزدیک  
تر بشوند و بر احترام و توقیر خود می افزایند ولی سکنین شرق بیکان اول  
خود احوال نفس را خدای خود قرار داد و نفاق و شقاق و بی نظمی  
را پیش گرفته اند شنیده اند ولی از راه عدل و است فرار نمایند  
گرسنه اند که از انکه لذت سمادی رو بر سیکو دارند نادانند ولی خود را  
مرکز علوم و فنون علم شیارند بزور و نخودند اما لاه معدن  
سود در بیکان میگیرند گردان اولی رسد مانند ولی از جوایز  
معنوی دوری میجویند چراغ روشنی را آفتاب عالمگیر فرض نمودند  
و دشمنان حریت و آزادی را در قرون متوالیه پرستش نمودند  
اتفاق و اتحاد الفاضل است بی معنی و اخوت مساوات بمانند  
بی سنی در تائیدی ضلالت و گمراهی چنان در پریشانند و از آب  
زندگانی بجهود و محروم گوشش به نصائح و وصایای خضر زمان نمیدانند  
و از آن بیکت حکومت الهی را نمی شنوند تمام ادانات با انکه  
خود هستند و در خدایات نوعیه فدی بر میدارند طریق پنجاد قطع  
نمیکنند و با هر حقیقت آزادی پیوند گرگان در زلف بر جسم

در میان خود راه داده اند و ماران گزند سم اندازد استین

صلح بین المللی

خود محض داشته اند. رغب ترس و بزونی را قانون حیات  
 در سیاست وجود فرض نموده اند و شجاعت و استقامت و شرف را  
 از صفی زندگانی محو کرده اند نفوس زکمه و عقده ملت و ملت  
 را یا نفع از وطن کنند و یا بدرززند و خائنین و مغرضین و نفس  
 پرستان بر بجای آنها گذارند امید پست و ترقی امور دنیا  
 هم خود را در سب کوه آتش نشان گسترده بنویسند و هیچ فکر آیند  
 نیستند در امور دنیویة عظم ندارند اما فکر انجام کارها  
 های جهانگیر نیستند هر امری را بر عقل تاریک درازیت  
 تنگ خودی بسجند و از کلیات خبری ندارند شیعیان  
 ذشته نماز و پرورداری خوانند و مراب غیق را نیز سلسل  
 گویند شب را در آن نماند و خلعت را در دست نشانی خار خرس را  
 کل اسبیل دانند و بادیة عقیم را گلستان بچمن و دل مارا  
 امید طید چمن است که امانی شوق عموداً و ایرانیان خصوصاً  
 از بر تفلت برون آیند و به بهت و جهدی قیام نمایند که در  
 قلیل مدت تصفیه آسیا بستان معارف و علوم گردد  
 هر دانش در هر صلح صلح خدمت نمایند و بزرگانش در  
 میان ملل عالم عزیز گردند حقیقت را بجهت خود بینند و آرزو  
 راستی و درستی را بچشمش خود ببینند و بر حق ایستند بدانند که  
 حضرت بهاء الله سب سعادت ابدی و تمدن برسدی آنهاست  
 این مسئله و انجیال بران است که اساس ترقی و عدلیت بر ترقی همانا  
 کلمه الله بون زیرا کلمه الهی را نفوذ و رسوخی که کلمه انسانی نماند و آنرا  
 پس امروز فقط رسید ترقی و ترقی ایرانیان همانا نشی  
 به این کلمه بهائی الهی است بهین جهت است که ملل غرب  
 باین نکته پی برده در تفحص و تجسس آن کلمه الهی هستند زیرا بخوبی  
 متفحصند از آن که پیش از آن نفوذ و رسوخ کلمه الهی  
 کم نمون بند. تعالیم و بیانات حضرت بهاء الله و عهد بهاء امروز  
 واسطه اتحاد و اتفاق مابین ملل و دول گردیدند آداب انسانی  
 و فضائل آنست باطفال بشر آموخته اساس بیگانهگی و جدت  
 بیست جامعه را حکم ریخته. ایگانش جمع ایرانیان قدر این بیست  
 را امید استخند و فوائد عظیمه از پرتو این امر مرم میردند در دیوان  
 خدمات مملکت قدم بزدند و دوله و ملت بلند میکنند و در قضای  
 دولت نشان بسوی کعبه جانان میشتافتند

استفاده صلح بین المللی که یکی از بزرگترین اصول امر بهائی است در این  
 ایام در نظر دول غرب اهمیت زیادی پیدا نموده و این امر  
 و تحولات این مسئله را موضوع گفتگو های زیاد نموده و احراز  
 و ابرام زیاد دارند که دول بتدریج کالات حرب و قتل را کنار گذاشتند  
 در طریق صلح و سلام مشی نمایند و دوستی و دوستی را در کشور  
 در سخن خون برزدان جوانان بی گناه ترجیح دهند زیرا میباشند  
 در آن رهجیت در برزیت فردن اولی است اولی بر فردن  
 در محبت تمدن حقیقی بیشتر قدم زنند وجود خود را با خلاق دوستی  
 و صفایت خواهد داد و جنگ را از موم خواهد شمرد دوست  
 امریکا بواسطه انزوا می خود از ملل جنگجوی اروپا و جدائی که از ملل  
 از مملکت آنها قادر بود که در مجال صدمات و بی غرضی در امر صلح  
 بین المللی سخن بزنند و از سایرین پیشقدمی جوید و واسطه صلح  
 مابین دول جنگ گردد چنانچه دول بدست و ژاپون پس از زمین  
 قاتل و جنگ دولت امریکت را واسطه صلح و فیصله حرب قرار  
 دادند و برزیدان قبل ستر روز دولت در این امر خدمت بزرگ  
 بعمل آسانی نمود به چنین بواسطه بستن عقده نامه ای تجاری  
 و دوستی و مرخصی با سایر دول امکانات جنگ و جدال را کم کرد  
 و بجلان ارشش برای دیگران پیشنهاد نمود است و این بزرگترین  
 خدمت با صلح بین المللی همانا عقده نامه ای است که در این امر  
 در میان دولت امریکا و انگلیس در آن سه بسته شد و حال دولت  
 آنان و ژاپون هم حاضرند که با دولت امریکا این عقده نامه را  
 ببندند. بر حسب مواد این عقده نامه که بر تابت جناب  
 شوکتیاب برزیدان گفت صلح دوست انجام یافته بر وقت  
 اختلافی در زمین یا تجارت یا مرصه یا منافع اصلی یا اتح  
 می مابین این سه دولت واقع گردد عوض آنکه برای فیصله آن  
 باهمه که جنگ نمایند قضای از طرفین معین نموده و دولت سوم  
 بسطی تمام در میان آوردن تا در میان آنها بعد است حکم نمایند  
 انجام این معاهده است بزرگترین شاهکارهای سیاسی این قرن بحساب  
 می رود و هر دو آن امر صد در ممالک غرب پیش از و طرف آنهاست  
 و خود را بورد و در قرن و بیسی سلام ابدی نزدیک می بینند و در  
 را سب است نشی و نوید های پر امید میدهند

یکی از مهم ترین کفرانسی های صلیح بین انجلی که در این ادوار منعقد گردیدیم  
 همانا کفرانسی صلیح عمومی موهوم است بود . در این کفرانسی جناب  
 اجل الهی علیه السلام مشارف در خطبه بر غزواتی ادا نمودند و در  
 اول هم نمایندگی داشتند هم چنین بدین نحو با خبر از طرفت ایشان  
 در آن صلیح حاضر گردید . این کفرانسی سالی یک مرتبه منعقد میگردد  
 و عمر آن به هفتاد سال رسید . بنام این اجتماع جناب  
 ستر اکبر است اسمایی در بزرگان و فرزندان امریک است  
 این پیران را در سن خیزدانا هر سال فریب چهار صد نفر از اعظم  
 و ساسون و دکلمه و پیران و فلسفه و تارونی و سایر علمای  
 و علم گرفته که در شهر باشند که در میان کوه های بسوز خرم ایست  
 نیو بود که ساخته شد جمع گشته و نظایقین مشهور در موضوع  
 صلیح سلامت و رونق و رونق نزارع های اولی بواسطه مجلس قضایین  
 و صلیح عمومی و غیره این خطبه های غزوات ادا نمایند و آن خطبه ها  
 که خدیجه افکار دانشندان در حق است چای و اطراف  
 جهان آتش در میدهند و آنجا که نشی این کفرانسی  
 نام در یک مایه است و در وقت و در حسی رکت بود این اجازت  
 نفر از نهائیان ایرانی را تشویق و تحریک نمود که فضیلت  
 و قایم نگاری این کفرانسی هم را قبول نمایند که هر کس اطلاع  
 و نماند و هم چنین این آقایان گفت شدند که بهائیان حضور  
 در این امور نوحه که اصل نوایس حضرت بهاء الله است گفتند  
 و جهان بازی نمایند و آنچه چند نفری قبول نمودن ایشان در  
 کفرانسی ثبت گردید و دانشمیزی غده غیر موجه آوردند که مباد  
 عضویت در این کفرانسی بر ضد مشیت حضرت بعد از ایشان  
 باری پس از آنکه در یک مایه با خبر به دانشمکن رجعت نمود شرحی  
 در باب این کفرانسی و کفرانسی بخند حضرت بعد از ایشان  
 عرض نمود و الواح عزائی با تخریفات از سما قدرت نازل  
 که محض اطلاع یاران در این مقام درج میباشیم تا هر کس بداند نفوذ  
 این امر تا بجه در جاتی صعد نمود و چه نفقه کسی مصدر غایت  
 عطی می شوند . قبل از نقل این الواح لوح مبارک این را  
 معتقد نشتر میباشیم . بنسخه خطبه شما در کفرانسی رسید  
 فی الحقیقه فدائی جمال مبارکی هیچ فکری و دکتری جز زشتی از انوار  
 حکمت الهی نداری . از جمله این نطقی که در آن کفرانسی (صلیح)  
 نمودی . یاران بهائی باید جمع افکار حرف آن نمایند که چنین سخن  
 انجذب به حکمت الهی شوند زیرا این نقیض است بدینست آنکه

شکست باشند خدمت ملکوت الهی میکنند . . . .  
 انعام در بناظر با این کفرانسی از برای اجای الهی رفیق  
 زیرا نشیانات آنان جسم است و تعالیم جمال الهی روح  
 این جسم با این روح زنده شود و اهمیت کمری باید . . . .  
 بعد از شهادت موفق گردید که اعضا این کفرانسی صلیح  
 که عبارت از چهار صد نفر از اعظم اهل ملکوت است در  
 جنت الهی داخل نمایند . . . . " در حضور کفرانسی  
 (صلیح عمومی) مرقوم نمود بودید فی الحقیقه این کفرانسی است  
 اجای الهی باید از برای سالی آیند در همین  
 ایام ابتدا کنند و مشورت با یکدیگر نمایند در وقت  
 در این کفرانسی بدینند تا در سنه آتی در این مجلس عمومی  
 نطقهای بدیع نصیح کنند

حضرت ستر اکبر اسمایی رئیس کفرانسی  
 صلیح عمومی این است تعالی

ای شخص عظیم حکیم در جوار لطف و مهربان تفصیل مجلس  
 صلح که در تحت ریاست شما تشکیل گشته خاطر گردید و نهایت  
 مورد توجه حاصل شد که آنچه در خطبه امریک در تحت ریاست  
 شخصی جلیل مجلس صلح علی تشکیل گردد امروز در علم وجود الهی  
 افضل از این نه زیرا بس استایش آرایش است در جنت  
 جمیع اولی و صلح است انسان از اول بشر هر اری از این  
 اعظم تر واضح است نهایت اهمیت را دارد بلکه بسند  
 شرق و غرب گردد و باعث ظهور صورت اشال الهی در عالم  
 انسانی و جلوه فضائل باقیهای الهی این مشتق بر جنبه  
 آن سردر آشنائی تدریج اولی این امر عظیم است عالی سبب  
 شد که فائزانه نهایت محبت حاصل نمودم لهذا بجز این  
 نام برد اتم . این نظیه صلح علی را حضرت بهاء الله در خطبه  
 در تحت سالی پیشین یعنی در سنه پنجاه و یک پیشین  
 نمود و در این وقت در این خصوص الواح و الواح بسیار  
 اول در ایران نشر نمود و بعد در سایر جهات انتشار برداد  
 آنکه در کتاب انجلی که در سالی پیشین مازل شد  
 منسوخ صلح عمومی را تفریح فرمود و بموجب بهائیان تکلیف فرمود

که خدیجه افکار دانشندان در حق است چای و اطراف  
 جهان آتش در میدهند و آنجا که نشی این کفرانسی  
 نام در یک مایه است و در وقت و در حسی رکت بود این اجازت  
 نفر از نهائیان ایرانی را تشویق و تحریک نمود که فضیلت  
 و قایم نگاری این کفرانسی هم را قبول نمایند که هر کس اطلاع  
 و نماند و هم چنین این آقایان گفت شدند که بهائیان حضور  
 در این امور نوحه که اصل نوایس حضرت بهاء الله است گفتند  
 و جهان بازی نمایند و آنچه چند نفری قبول نمودن ایشان در  
 کفرانسی ثبت گردید و دانشمیزی غده غیر موجه آوردند که مباد  
 عضویت در این کفرانسی بر ضد مشیت حضرت بعد از ایشان  
 باری پس از آنکه در یک مایه با خبر به دانشمکن رجعت نمود شرحی  
 در باب این کفرانسی و کفرانسی بخند حضرت بعد از ایشان  
 عرض نمود و الواح عزائی با تخریفات از سما قدرت نازل  
 که محض اطلاع یاران در این مقام درج میباشیم تا هر کس بداند نفوذ  
 این امر تا بجه در جاتی صعد نمود و چه نفقه کسی مصدر غایت  
 عطی می شوند . قبل از نقل این الواح لوح مبارک این را  
 معتقد نشتر میباشیم . بنسخه خطبه شما در کفرانسی رسید  
 فی الحقیقه فدائی جمال مبارکی هیچ فکری و دکتری جز زشتی از انوار  
 حکمت الهی نداری . از جمله این نطقی که در آن کفرانسی (صلیح)  
 نمودی . یاران بهائی باید جمع افکار حرف آن نمایند که چنین سخن  
 انجذب به حکمت الهی شوند زیرا این نقیض است بدینست آنکه

که گمان اول در این امر عظیم چنانچه فی نمایند حتی جان دماغ خویش را  
 راند کنند و تریج نوحید علی و ذهاب نمایند و اعلان احد  
 عالم انسانی در هیچ اقلیم عالم کنند در ایران علی متعده موجود است  
 و سعی دهد و در دستش و ذهاب متعده نیز موجود است  
 بهاء الله چنان تألیف و تخیب در میان این ملل حاصل گردید  
 که حال مانند برادر و برادر دختر یا بگردد و متفق و آئینش نمایند  
 چون در محفل اجتماع کنند اگر شخصی را بگذرد از شدت الفت بخت  
 آنان حیران ماند ابداً اثر اختلاف و جدائی نماند بعضی از ملل  
 حضرت بهاء الله در آن خصوص در امریکای جنوبی بطبیعت شایسته  
 آید ملاحظه خواهد فرمود که به اساس جنبش حضرت بهاء الله در عالم  
 تأسیس فرمود که عاقبت پنج وحدت جمع شد که در این کتب  
 متعده بسیار از نظم این سخنان صادر آنان در اینر بطبیعت  
 شد از جمله اش در امریکای باید باری چون حضرت بهاء الله  
 در این تشنه انسانی در حدیقه وحدت عالم بشری فرس برتری  
 فرمود و انتخاب نیز فی الحقیقه در فکر آب باری این حدیقه هستند  
 لهذا لازم دانستم که منقبت و دانشمندی خویش را از انتخاب سال  
 حکم تا نام نیک شهادت ایران بلکه علوم شرقی و غربی و علم  
 شرقی نام شما را نیز گوازی یاد نمایند تا این ملای صلح ملل قبول  
 بکند علوم افراد انسان تأسیس نام باید دانست علوم حاصل  
 کند و خواهش از شما دارم که اعتراضات فائده مرا قبول فرمایید  
 ع ع

کتابخانه  
 که در این کتابخانه است و با کرات در دست نیست زیرا  
 پنج شصت و مقصود این است که عداوت و بغض در میان  
 ذهاب و ملل با هم درجه بود شصت سال پیش محنت  
 بهاء الله بقوه آسمانی اعلان وحدت انسانی در ایران نمود  
 هجوم بر خطاب کرد که ای نوع انسان همه با یکدیگر آید برش  
 گشت خاطر در چهل سال پیش در کتاب ادیس امر بصلح عمومی  
 فرمود و جمع دول را بصلح عمومی دعوت نمود که حدود و لغز جمع  
 دول بواسطه مجلس دولی تعیین گردد که هیچ دولتی تجاوز از آن  
 نتواند و اگر نزاعی میان دو دولت حاصل شود در مجلس دولی  
 حل میگردد و مانند سایر ملل از افراد فیصل شود و حکم گردد و اگر  
 چنانچه بیطرف تر نماید جمع دول بر او قیام نمایند و مرقوم فرمود  
 که این صلح عمومی سبب آسایش عالم آفرینش است حال  
 چون کفران صلح ملل در امریکای تشکیل شد از تفزعات  
 وحدت عالم انسانی است لهذا نهایت احترام شما را یاد  
 میمانم که اگر چه با خدمت عمومی قیام نموده اید و این امر  
 روز بروز ان این تسبیح باید و سبب حصول فوائد کثیره و اثر  
 و محبت عمومی در بین ملل عالم گردد و از شما خواهش که اعتراضات  
 فائده مرا قبول فرمایید ع ع

سفر بهائیان امریکای بر ایران

شخص محترم ستر فلیس نشی کفرانس صلح ملل

انسان کامل کفرانس صلح ملل اعظم تا می این قران عظیم است  
 این قران نورانی در تاریخ انسانی بی نظیر ندارد از جمیع قران  
 متنازه است بفضائل اختصاص یافته که کتب درخشنده یابید  
 آسمانی از افق این قران بر قرون و اعصار بناید از جمله خالق عادت  
 این قران که فی الحقیقه معجزه است تأسیس وحدت علم انسانی  
 و تفزعات آن صلح عمومی و اتحاد ملل مختلفه در این نشانی است  
 بران مرکز اختلاف و نزاع و جدال بین ملل بود بدوجه که حضرت  
 نمود ملل خون بگردد گریب میگردند مال بگردد و تالان و تاراج  
 میگردند و در اذیت بگردد بگردد تصور نمی نمودند نفرت بین ملل  
 بدوجه بود که بگردد گریب میگردند اگر شخصی از خود در خانه سلمان  
 دخول می نمود و در اینر خفاک نیشاند و اگر از کاره آب میخورد

در راه گذر نشسته است و سس سیدان کاپس و سس الزاری است  
 یکی بر سست متعلق در مدینه دختران و دیگری سست دائمی مضافاً عازم  
 طهران شدند تا در خدمت ایرانیان مشغول گردند و اینست و آنست  
 تا بحال سستی دارند و بزیارت یاران شرق نشسته اند  
 در راه دیگر گیت دست اندر دوزن بطرف مملکت ایران  
 محض عداوت اجبار و سیاحت سفر خواهند نمود ایما این  
 نفوس از قرار دین است سترهای و هیلم ستر دو کاک  
 سس دو کاک سس دو کاک سس سس سس سس  
 ستر استن سس استن و شاید در راه نود و یک  
 بین دست گردند قصد حضرت آنکه شهر شهر در ایران سفر نموده  
 باران الهی را عطاات نمایند طرز دوستی جدیدی بینداری  
 روابط الفت و محبت تحقیق بین شرق و غربی را حکم کنند و از جواب  
 حکم و سعادت روحانی شرقی بهر دافر برند و چون حضرات



5  
 انشاء الله بزودی حرکت خواهند نمود لهذا کفر آنچه جمیع بهائیان  
 شهر اوله ایران برای طاعت پذیرائی این باران محترم  
 حاضر گردند این چند کلمه اعلان گردید. حضرت عبدالمهدی  
 همیشه اجای غرب را بر سفر در مالک شرق تشویق و تخلص  
 فرمود اند چنانچه این دسته مسافران هم از تاج کلمات  
 مرکز عشاق است. در لوج مسترد و بهلم کرده گذشت بر سفر  
 ای ثابت بر میان نامه شما رسید و ضمن سب روح گردید که سفر  
 ایران در پیش آید فی الحقیقه این مسافرت لب تر تمام  
 باران گردد و ولایت بر الفتح شرق و غرب نماید و تا تحت  
 شعبه بیشتر زند و نفوس مجذب تر گردند مرا مقصد چنان است  
 که خادیه باخر دست در آغوش بگیرد باشند و مانند شهید  
 آنخته باشند و بشاگردان ایران استخراج یابند تا وحدت عالم  
 آید آفتاب جمیع آفاق را روشن نماید. مسترد مسیح و عطار  
 و اشکن و مسیح در کتوت با نهایت بهرانی از قبل من بحری  
 و گو امید دارم که سفر شما اثر گشت لب تر است و ان  
 شما گردد. " در لوج مسترد و کات میفرمایند " سو باران  
 بسید محبوب و مقبول الی با مسترد و بهلم و اگر ممکن  
 سفر دیگر هم باشند اگر چنین بهتر است تا مقام نهایت خلوص  
 استقلال شما خواهد نمود انچه سس و کات هم قوت گرفته  
 و توانان سفر ایران حاصل نمود امید دارم که چنان قوت یابد  
 که حل مسافت شرق و غرب کند در سفر ایران یاران نهایت  
 سرور از دود شما حاصل نمایند و تا ثبات حکومت ابی یابی  
 و فیض شمس حقیقت جلوه نماید. "



### ایران و آمریکا

جناب مسترد و نویسنده سلسله ری داج و خیال بکره ایشان. شاد و بهیم  
 از بهائیان قدیم شهر نیویورک هستند. چهارده سال قبل این امریکای  
 قبول نمود و از آنوقت تجسس عدید در بیت ایشان منعقد و ادوات  
 بخدمت یاران و تبلیغ امر الله و تصنیف کتب در مسائل امریه مشغول بودند  
 جناب مسترد لاج کی از نفوس قلبه محترم است که همیشه معذور و نهایت الهی  
 بودند و التوا حسی بر در است. چند سال قبل با خیال خود بکشتند  
 حضرت عبدالمهدی در حکام شریف شده و بعد از آن برای دو پسران عزیز  
 خود خواست و آنها هم باین نعمت کبری ناز گشتند با چانه مسترد  
 داج همیشه برای اجالی الهی عا کتفص میدان شرقی و ایران متعوج  
 بودن و تکلیف ایمانی نواری و از نهایت بخت و ابرمان بجای آوردند

در این تمام انقلابات درین مایه و سیاست ایران و نظارت  
 عالم را بجهت دنیا جلب نمود و هر روز صنعت جواهر امریکای  
 و عامی اجازات مد همیشه است و لب غم و اندک وطن پرستان  
 و خیر خواهان و هر قدر این بافت عشق باوزده خوراک زود تر افتاد  
 پذیرد وقت و دولت چون شهید و شکر هم گفته گردند مسلم  
 که بجهت ترقی و اعتبار ایران در انظار دول غرب بهتر و خوشتر است  
 از طرف دیگر خواهند میشود که بعضی اول از لب اشکالات صعب  
 در جلوی قدم خزینه دار عمومی ایران و مسترد شوستر گذاردن تا از راه  
 مجبور باستغای مقام خود بنمایند فاضل لهذا که اگر اسوره مایه ایران

اول کنگره نژاد های عالم در ۲۶ جولای در شهر لندن افتتاح گردید و نمایندگان ملل و ذوال در آن مجمع عظیم حاضر شدند صاحبان بیورد و حافی میدهند که اساس این کنگره بهائی و تعالیم این امر پایه بنیان آن بود . با نفر بهائیان امریکت در آن کنگره حاضر بودند و در آنجا در سایر ممالک هم دست حضور داشتند . حضرت عبدالبهاء الوهابی نیز آنجا کنگره رئیس دانشی نازل فرمود که در جلسه های متفرقه قرائت گردید و با رب روحانیت حاضر شد . جناب امیر کبیر حکیم علیق بهاء الله شرحی در این باب از لندن مقدم فرمودند که این تعقیب درج پنجم است . کنگره نژاد های عالم در این صحنهات سیرت نمود است خصوصاً در این انام که اول کنگره نژاد های عالم افتتاح گردید نمایندگان محترم از ممالک متفرقه در این پارلمان اینان حاضر شدند بعضی بزرگان بزرگ فرسنگت بجز در محل نوب خود را با این تعقیبات کنگره نژاد های عالم در لندن افتتاح و اتفاق نژاد های عالم است این عید هم موفق شدم که در روز دوم در جلسه اول این کنگره حاضر شوم از ساعت ۱۰ صبح شروع شد و یک نیم بعد از ظهر اتمام پذیرفت نمایندگان از جنس و نژاد یونان و هندوستان و چین و سایر نقاط قطبها را از آنجا نمودند و هر یک در سینه سخن را کردند . از طرف پارلمان انگلیس در این مجلس نمایندگان بود که در حضور آن مجمع نطق نمود که خیلی ممنون و تشکر کنم از اینکه اول کنگره نژاد های عالم در لندن تشکیل یافت و در روز آنان خود را به نمایندگان اظهار میدارم که راه های بعید را هم نمونند در این مجلس حضور یافته اند و مخصوصاً اشخاصی که نتوانسته اند حاضر گردند و با چه الوهابی فرستادند که باقیات را بر آورد از آنجا رفته مبارکه حضرت عبدالبهاء است . فی الغد روزم تشریح و گوش خود را باز کردن گویا در آن وقت این تالار بزرگت پر از نوازندگان همه ساکت شدند آنوقت لوح مقدس مرکزینیاتی خوانده شد و اثر عظیمی نمود . یک ساعت و نیم بعد از ظهر مجلس بهم خورد و نمایندگان غریبی در میان حضار افتاد که میگفتند ما در نقاط مختلفه تعالیم با هم سخن میگویم و نطق هم و صحبت کنیم وقت بید خلی نخت گرفتند که در همان روز و با آن نمایندگان مجلس برقرار کردند لهذا رئیس قرار کردند که ساعت پنج و نیم جلسه دیگری برقرار خواهد شد و خواهش کرد آن اشخاصیکه نتوانستند صحبت کنند اسم خود را از قبل بفرستند . جمع کثیری هم از دوستان بودند که از نقاط مختلفه امریکت و فرانسه و صحنهات دیگر آمد بودند . بعد از آنکه چند نوبت صحبت کردند تمدن الملکت که یکی از بهائیان خالص و دنیای شیرین باشد و در آن در حضور حضرت عبدالبهاء شریف بودند و با هم مبارک از مسرر شدند بعضی حضور در کنگره آمدند و نطق نطق نمودند که صورت آن در جدول چاپ شده در سال نمونام و فی الحقیقه هر وقت ذکر امر بهائی میشود

نگارخانه حضرت غیبی در وجه آشکارای گشت قبل از ایشان مستر تودر پل که لده بهائیان فعال و متفاد نشان در باب امر الله در جراند چاه شد صحبت نمودند حضار چندین دفعه دست زدند زیرا از صحبت های سترین بیخاسته شده بودند زیرا سخن های دنیوی بود ولی این خوش واقع شد خصوصاً اینکه دو باب رقیبه مبارکه حضرت عبدالبهاء را خواندند . بعد حاجی برزاقی که نمایند پارلمان طهران بود و نطق بخاری کرد اشخاص دیگری که از آنجا بودند خوانند سولانطق ایشان در جوف است در راه از مجلس جناب اسکندر خان ستر پل شرح در باب سفر خود به هندوستان اظهار نمودند و از صحبت های دوستان الهی تعریف کردند خصوصاً بعضی بزرگان خودشان و منزل کردن در خانه و در سفر مسلمان بهائی و آمدن حضرت شهید کعبه و در دست کردن لذایشان در محرم شدن لذایع و اتفاق و اتحاد از راه در این بهائی و مقاصد عمومی این امر . باری طوری بحث کردند که مجمع حضار منتقل شدند و چون مجلس تمام شد بر کس نزدیک آمد و از ایشان اظهار انونیت کرد از طرف دیگر دوستان الهی مانند مسس روزنگت و مسس کنتن و سترین در کل آن بودند که پس از اتمام کنگره مسس فوری یکت مجلس عمومی قیام نمود و از آنجا اشخاصی را نمایند که آمدن عطفه نورانیه بایشان که مشر دهنده لهذا روزگارشند اول گشت از ساعت ۸ فرغ بعد از ظهر شروع شد و صحبت کثیری از اخبار بودند و اشخاصی که نطق میکردند ۱۳ نفر بودند ابتدا رئیس مجلس یعنی فرمودند بعد سترین است اهل امریکت بیانات اظهار داشت که انوار حق از شرق ظاهر شد است و بعد مسس بیت از اهل اشیکاگو و مسس روزنگت از لندن استر در نیویورک از بارلین استر تودر پل مسس کنتن هر یک شتمه از او امر و تعالیم بهاء الله گفتند دوستان می گفتند چنین مجلسی تا بحال فراموش شده بود و در واقع مجلس بسیار روحانی بود شرح این گفتار در روزنامه مکرر گریشن کابین دولت منصفه داشته نشود در سال گردید

یکت هفته قبل از افتتاح کنگره نژاد های عالم اجامی الهی چهار شنبه ششم مجلسی فراموش آوردند و اخبار را دعوت گرفته هر شش چند نفری صحبت میکردند . شب اول مسس استنارد در انقراط شرقی خطابه اول نمود شب دوم خایر اتدن ملکت در تجویبات سخن بهائی خود نطق بسیار را از و شپین نمودند شب سوم ستر تودر پل در باب اخبار در این آنها سخن دارند شب چهارم مسس بیت کنتن در باب ارتباط تعالیم و افعال بهائی با صحبت بیاناتی لطیف و فصیح اظهار داشت در دویم رفته این مجلس در حایه سبب انقراط نفوس گردید و در روز شهربندان در نشر نغمات تحت لای بسیار ساعی و جاهد است